

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

b695ecbfac7ff1a8c8bce400ea54e3df154af66e21578baed2d9c8b5dca86517

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

**مرجعیت علمی - تعداد فیش : 18 ، تعداد مقاله : 0**

ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» 1393/06/29

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.

۱-۲- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۱-۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.

۱-۴- تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و

بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۱-۵- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه ریزی ویژه.

**بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/09/19**

نگذارید دانشگاه جولانگاه حرکت‌های سیاسی بشود. اینکه ما جوان را به‌عنوان يك موتور محرک تحولات سیاسی بپذیریم، حرف من است. من يك وقتی این مطلب را گفتم،

بعضی از همین آقایانی که حالا دم از دانشگاه می‌زنند، من را ملامت کردند که شما این جوانها را به هوس انداختید، به هیجان انداختید؛ نه، من اعتقاد دارم به این قضیه؛

نسل جوان در هر جامعه، موتور حرکت تحولات اجتماعی و تحولات سیاسی است؛ بخصوص جوان دانشجوی؛ طبیعتش این است. این حرف دیگری است؛ این غیر از این است

که ما دانشگاه را محلّ جَوَلان گرایش‌های سیاسی‌ای که بعضی‌شان مخالف با اصل نظامند یا مخالف با جهت‌گیری‌های نظامند بکنیم. این را باید حتماً مراقبت کنید و جلوی آن

را بگیرید. در این زمینه من این جمله را هم عرض بکنم؛ يك "میتوانیم" ای را ملت ما گفته؛ نگذارید این "میتوانیم" تبدیل بشود به عکس آن. گفتند ما میتوانیم به قلّه‌های رفیع

علمی برسیم؛ میتوانیم مرجع علمی جهان بشویم؛ میتوانیم خودمان را از حقارت علمی نجات بدهیم، که امروز نجات دادند و دشمنان ما، مخالفین ما دارند اعتراف میکنند که

ایران به دانش دست یافته؛ نه فقط در زمینه‌ی هسته‌ای، در زمینه‌های دیگر هم همین را دارند میگویند و اعتراف میکنند. این "میتوانیم" را که در روح این جوانهای ما دارد

جَوَلان میکند، نگذارید از بین برود؛ شما هم بگویید میتوانیم و دنبال کنید این میتوانیم را. ما میتوانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از

معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را میتوانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم [این کار را] میکنیم.

**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان 1392/07/17**

رشد علمی ما امروز در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی خیلی خوب است. عدد مطلق رشد ما خوب است، شتاب رشد ما هم بسیار خوب است، یعنی شتاب پیشرفت

خیلی بالا است؛ لکن این ملاک نیست؛ یعنی این شتاب باید محفوظ بماند. وجود شتاب رشد علمی به معنای این نیست که ما به هدف رسیدیم یا حتی به هدف نزدیک

شده‌ایم؛ چون ما خیلی عقب بودیم. دنیا هم که منتظر نیمه‌اترید که ما پیش برویم، او تماشا کند؛ دنیا هم دارد دائماً پیش میرود؛ البته شتاب ما بیشتر است، ما باید این

شتاب را حفظ کنیم. اگر این شتاب رشد علمی حفظ شد، این امید وجود دارد که ما برسیم به قلّه‌ها، برسیم به خطوط مقدّم؛ و همان‌طور که بارها عرض کردم، کشور ما و

مراکز علمی ما برای دنیا مرجع علمی بشوند. این باید اتفاق بیفتد و انشاءالله این کار خواهد شد. البته بنده تصوّر نمیکنم که حالا این کار در ظرف پنج سال و ده سال و

پانزده سال انجام بگیرد؛ نه، من چند سال پیش گفتم شما پنجاه سال دیگر، چهل سال دیگر این آینده را تصویر کنید که در دنیا هر کسی بخواهد به یافته‌های تازه‌ی علمی

دست پیدا کند، مجبور بشود زبان فارسی یاد بگیرد؛ همّت را این قرار بدهید. کاری کنید که در دنیا دیگران محتاج دانش شما باشند، مجبور باشند زبان شما را یاد بگیرند تا به

دانش شما دست پیدا کنند؛ این کار هم ممکن است؛ این کار ممکن است.

**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی 1391/09/21**

باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را

هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خیانت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود:

«العلم سلطان من وحده صال و من لم یجده صیل علیه». باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه‌ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای

پنجه‌ی قوی هستند، دست شما را می‌چینانند. جوانانمان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیف‌های آخر آخر علمی

دنیا قرار داشتیم، که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمیشد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی میکنند، گفتند و در دنیا

منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه‌ی شانزدهم دنیاست. این مال چند ماه قبل از این است. خود آن مراکز که این بیان را کردند، پیش‌بینی کردند و گفتند تا

چند سال دیگر - معین کردند تا چه سالی؛ مثلاً تا ده سال، دوازده سال دیگر - ایران به رتبه‌ی تکریمی خواهد رسید؛ آنها گفتند چهارم در دنیا. این به این خاطر است که

شتاب علمی در ایران، شتاب زیادی است. البته ما از دنیا هنوز خیلی عقبیم. شتاب ما چندین برابر متوسط شتاب دنیاست، اما باز عقبیم. اگر با این شتاب پیش برویم، به جلو

خواهیم رسید. این حرکت در دنیای اسلام باید ادامه پیدا کند. کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوانهای خوبی داریم، جوانهای خوبی دارید؛ استعدادهای خوبی

هستند. یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمانها بوده؛ چرا امروز اینجور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود

مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده‌ی ممکن است؛ همّت کنیم، تلاش کنیم. اینها همه‌اش به برکت اسلام و به

برکت انقلاب پیش می‌آید. نظام دینی اثبات کرد که میتواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد.

**بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 1391/07/23**

هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان

رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام میگرفت. انگلیس‌ها آمدند

زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره‌ی هند که یکی از کانونهای زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما

زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان‌شان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه‌ی

کشورهائی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که

در هند رائج بود، به وسیله‌ی خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از

آمدن انگلیس‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر میگفتند؛ مثل امیرخسرو دهلوی، بیدل دهلوی - که اهل دهلوی است - و بسیاری از شعرای دیگر. اقبال

لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیس‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛

فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیس‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف زنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند.

**بیانات در اجتماع مردم اسفراین** 1391/07/22

ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده‌ی خودمان نگاه کنیم؟ دشمن میخواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سالهای متمادی تلقین کرده است. اینجور باوراندند که حتماً عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد؛ نه، یک روزی تاریخ ما به ما نشان میدهد که قضیه بعکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله‌ی پیشرفت باید آنجور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم.

من چندی قبل به جوانهای دانشجوی و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده‌ی حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله‌ی پیشرفت است.

**بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور** 1389/06/16

ما ان‌شاء‌الله بر دشمن فائق خواهیم آمد، تحریم‌ها را دور خواهیم زد و جوانهای ما روزهای خوبی را ان‌شاء‌الله در آینده تجربه خواهند کرد و این کشور، کشور بسیار با استعدادی است. امروز مثل روزی است که فرض کنید یک عقاب تیزپروازی که میتواند در ارتفاعات بسیار بلندی پرواز کند، از داخل صحن این فضا توانسته به پشت بام برود. این یک تجربه است. این سقف پرواز، خیلی بیش از اینها خواهد بود. ان‌شاء‌الله روزی خواهد رسید که هم مرجع علمی خواهد شد کشور شما، هم مورد افتخار مسلمانان خواهد شد که بگویند اسلام یک کشور را اینجور اداره کرد و هم ان‌شاء‌الله از لحاظ عملی و از لحاظ تولیدات، مرجع مراجعات مردم دنیا خواهید شد.

**بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان** 1389/05/31

چند نکته هم در مورد مرجعیت علمی و الزامات آن گفته شد که نکات درستی بود. من خواهش میکنم مسئولین توجه کنند و این مطالب یادداشت شود.

**پیام به کنگره بین المللی بزرگداشت ثقه‌الاسلام کلینی (ره)** 1388/02/17

کتاب کافی، در دوره ای هزار و صد ساله، از وفات مرحوم کلینی در 329 هجری تا روزگار ما، بیش از هزار سال است که مرجعیت علمی دارد و بین جوامع شیعه، دست به دست می‌گردد و هرگز هیچ فقیه، منکلم یا مفسّر شیعه، از آن، مستغنی نبوده است. با وجود این و با وجود چاپ‌های متعددی که از این کتاب، انجام گرفته، تاکنون، حقّ آن ادا نشده بود و به نظر این جانب، چاپ عرضه شده به مناسبت این کنگره، به خاطر تصحیح فتنی بسیار خوب، مراجعه دقیق به نسخه‌های اصلی، ذکر گسترده نسخه بدل‌ها، جدا کردن آسانید از متن روایات و مزایای دیگر، اثر برجسته و ارزشمندی است که با سلیقه به کار رفته در آن، ان‌شاء‌الله یادگاری ماندگار خواهد بود.

**بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت** 1387/09/24

عرض کردیم که کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین طور که بارها عرض کرده‌ایم. یعنی همین طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندان، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جوینده‌ی دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند. هدف باید این باشد. این یک آرزوی خام هم نیست. این چیزی است که عملی است. اینجایی هم که ما امروز از لحاظ علمی و فناوری قرار داریم، این هم یک روزی جزو آرزوهای خام به حساب می‌آید.

یقیناً قبل از انقلاب - قبل از اینکه این حرکت و شوق در مردم به وجود بیاید؛ این احساس دلیری در مقابل موانع در مردم ما به وجود بیاید - اگر می‌گفتند که کشور ما خواهد توانست به این نقطه از دانش‌های گوناگون برسد، کسی باور نمی‌کرد. آن روزی که برای یک بیماری معمولی که امروز توی بیمارستان‌های درجه‌ی سه و چهار در شهرستان‌های دور ما به راحتی آن را علاج می‌کنند، افراد ناچار بودند به کشورهای خارج بروند، پول‌های زیادی بدهند، منت زیادی را بکشند - این مال خیلی قدیم نیست، مال همین پیش از انقلاب است - با این وضعی که امروز ما داریم در دانش‌های گوناگون و در بخش‌های مختلف، یقیناً یک روزی به نظر خیلی‌ها دست‌نیافتنی بود؛ اما ملت ما به او دست یافت، جوان‌های ما به او دست یافتند. همین مسئله‌ی هسته‌ای از این قبیل است، مسائل گوناگون در بخش‌های علمی از این قبیل است. بنابراین، اینی هم که یک روزی کشور ما و ملت ما کاروان دانش را آنچنان پیش برد که بتواند در دنیا مرجع علمی باشد، چیز ممکن است. البته مقدماتی دارد، که این مقدمات پایستی طی شود و این مقدمات شروع هم شده. یکی از این مقدمات، همین خودآگاهی ماست که احساس کنیم که «باید»؛ و احساس کنیم که «می‌توانیم». یکی دیگر از مقدمات، تهیه‌ی نقشه‌ی علمی جامع کشور است که کشور از لحاظ تحصیل علم و طلب علوم مختلف دچار سردرگمی نباشد. این کار خوشبختانه انجام گرفته. همین دوستان و محققین و برجستگان، برخاسته‌ی از دانشگاه‌ها و از این دانشگاه، توانسته‌اند نقشه‌ی جامع علمی را تهیه و فراهم کنند، که در شرف نهایی شدن است و این یک گام بسیار بلند در راه پیشرفت علم در کشور است. البته بعد از آنکه نقشه‌ی جامع علمی تهیه و فراهم شد، کارهای دیگری هم بایستی انجام بگیرد؛ از جمله: ایجاد نظام مهندسی این نقشه، تبدیل نقشه‌ی جامع علمی به صدها پروژه‌ی علمی، و سپردن این پروژه‌ها به پیمانکاران امینی که عبارتند از همین دانشگاه‌ها و اساتید و مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها. بعد، ایجاد شبکه‌ی نظارت بر این پیشرفت علمی؛ حسن اجراء و درگیر کردن استاد، دانشجو، محقق - که حالا دانشجویان پرسیدند در زمینه‌ی پیشرفت علمی، تکلیف ما چیست - این‌ها حتماً باید در این طرح مهندسی نقشه‌ی جامع علمی دیده شود. هر تک تک دانشجو می‌تواند نقش ایفاء کند؛ هر مرکزی از مراکز تحقیقاتی، هر کارگاه آموزشی می‌تواند نقش ایفاء کند و اساتید هم می‌توانند. بنابراین یک کار چند ساله است. این کار چند ساله با شدت، با حدت، با پیگیری تمام، با امید بایستی دنبال شود و ان‌شاء‌الله به نتایج خواهد رسید. یقیناً روزی خواهد رسید که شما ببینید مرجعیت علمی یافتن دانشگاه‌های ایران و دانشمندان ایران چیز دور از دسترسی نیست؛ خیلی نزدیک به شماست. شما جوان‌ها یقیناً این را خواهید دید؛ من تردیدی ندارم.

**بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس** 1387/02/17

همه‌ی نشانه‌ها مزده‌ی امید به ما میدهند؛ مزده‌ی پیشرفت میدهند؛ در همه‌ی بخش‌ها، و امیدواریم که ان‌شاء‌الله این مزده‌ها در کمتر از یک نسل، تحقق پیدا کند و جوانان ما آن روزی را که ایران اسلامی در جایگاه شایسته‌ی خود قرار دارد، ببینند. آن روزی که ملت‌های دنیا، دانشمندان و اندیشمندان عالم احساس کنند به ایران، به زبان ایران، به فرهنگ ایران نیاز دارند برای اینکه گام‌های نوئی را در مسائل علمی بردارند، این روز شدنی است؛ امکان‌پذیر است. همچنانی که امروز برای فرا گرفتن بسیاری از فنون مورد نیاز بشری، انسان احتیاج دارد زبان فلان کشور و فلان ملت را فرا بگیرد؛ آن روز مردم دنیا احساس کنند که نیاز دارند زبان شما را بیاموزند؛ فرهنگ شما را بیاموزند. آن روز خواهد آمد و شدنی است. اگر ما همت کنیم و همین تلاشی که امروز مشاهده میشود، و همین انگیزه‌ای که امروز بحمد‌الله دل‌های جوانان ما، اندیشمندان ما، مردم ما مالا مال از آن هست، ان‌شاء‌الله ادامه پیدا کند - که پیدا هم خواهد کرد - آن روز خیلی دور نخواهد بود.

**بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها** 1386/07/09

حالا حکومت، حکومتی است لایق، با کفایت؛ ملت، ملتی است بیدار؛ نخبگان، نخبگانی هستند میداندار و صحنه‌گردان؛ حالا میخواهیم جبران کنیم. خوب، یک وقت سند چشم‌انداز را به عنوان یک سند شناسنامه‌ی افتخار در جیب می‌گذاریم و گاهی به سر و دست می‌گیریم، یک وقت هست نه، سند چشم‌انداز را به عنوان یک دستورالعمل به حساب می‌آوریم و برای جزء جزء آن، راه‌کار پیدا میکنیم. اگر ما بخواهیم الهام‌بخش باشیم، در منطقه مرجع علمی باشیم، این راه‌کار دارد. راه‌کارش را در سند چشم‌انداز ما نباید معین کنیم، مسئولان در منطقه‌ی اجرا باید اینها را مشخص کنند؛ اصرار ما این است. ما میخواهیم این کار در زمینه‌ی مسائل علم و پژوهش به صورت درست، به صورت خوب و کامل انجام بگیرد. علت این اهتمام و این انگیزش این است.

ما اگر بخواهیم سند چشم‌انداز تحقق پیدا کند و آن مرجعیت علمی که برای کشور پیش‌بینی شده، به وجود بیاید و عملی بشود، ناچاریم که این کارها را انجام بدهیم، که مهمترینش تهیه نقشه‌ی جامع علمی است. این یعنی یک گام مهم، یک دروازه‌ی مهم به سوی اجرائی کردن اهداف و شعارهایی است که مطرح شده و امروز بحمدالله در محیط‌های علمی به صورت یک گفتمان در آمده است.

#### بیانات در دیدار نخبگان جوان 1386/06/12

هممتان را بلند بگیرید. من چندبار تا حالا در جمع جوانها و نخبه‌ها این را گفته‌ام. همت نباید این باشد که ما فلان فناوری را که دیگران ساخته‌اند و ما همیشه از آنها می‌خریدیم و وارد می‌کردیم، حالا فرض کنید می‌توانیم خودمان اینجا بسازیم. اینکه چیزی نیست. البته چیزی هست، کم اهمیت نیست؛ اما آن چیزی نیست که ما دنبالش هستیم. شما هدف را این قرار بدهید که ملت و کشور شما در یک دوره‌ای، بتواند مرجع علمی و فناوری در همه‌ی دنیا باشد. یک وقتی من در جمع جوانهای نخبه گفتم: شما کاری کنید که در یک دوره‌ای - حالا این دوره ممکن است پنجاه سال دیگر یا چهل سال دیگر باشد - هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را که شما اثرتان را به زبان فارسی نوشته‌اید، یاد بگیرد؛ همچنانی که امروز شما برای دستیابی به فلان علم، مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا بتوانید کتاب مرجع را پیدا کنید و بخوانید. شما کاری کنید که در آینده، کشور شما یک چنین وضعی پیدا کند؛ و می‌توانید. یک روز اینچور بوده است؛ کتابهای دانشمندان ایرانی را به زبانهای خودشان ترجمه می‌کردند، یا آن زبان را فرا می‌گرفتند برای اینکه بتوانند بفهمند. این هم بد نیست شما بدانید که کتاب «قانون» ابن‌سینا که در پزشکی است، همین ده پانزده سال پیش - زمان ریاست‌جمهوری من - به فارسی ترجمه شد! بنده دنبال کردم؛ افرادی را مأمور کردم، بعد هم شنیدم یک مترجم خوش‌قلم بسیار خوش ذوق گُرد، این را به فارسی ترجمه کرده که امروز ترجمه‌ی فارسی‌اش هست. تا آن وقت، قانون به زبان عربی نوشته شده بود - ابن‌سینا کتاب را به زبان عربی نوشته است - و به فارسی ترجمه نشده بود؛ در حالیکه چند صد سال قبل به زبان فرانسه ترجمه شده! یعنی آنها که این کتاب را لازم داشتند، برده بودند و ترجمه کرده بودند. ببینید، مرجعیت علمی این است؛ مجبورند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند. هدفتان را این قرار بدهید. هممتان را این قرار بدهید. هممتان را پیشرفت در زمینه‌ی دانش و شکستن مرزهای علم قرار بدهید.

#### بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان 1385/08/18

بنده در یکی از همین ملاقاتها به دانشجویها گفتم شما برای پنجاه سال آینده برنامه ریزی کنید؛ توقع ما این است. منظورم در زمینه‌ی علم است. هدف را این قرار بدهیم که پنجاه سال بعد، کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه‌ی اول علمی دنیا باشد؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود، مجبور بشود زبان ملی شما را یاد بگیرد؛ همچنانی که این دختر عزیزمان گفتند که ما مجبوریم زبان بین‌المللی را یاد بگیریم؛ راست هم می‌گوید. انگلیسیها با زرنگی زبان خودشان را زبان علم و زبان بین‌المللی کرده‌اند و هر چه شما می‌خواهید یاد بگیرید و هر چه می‌خواهید بخوانید، مجبورید زبان آنها را یاد بگیرید. شما کاری کنید که در پنجاه سال آینده، همین نیاز به زبان فارسی شما باشد. این، یک آرزوست؛ یک قله است؛ مثل قله‌ی دماوند، مثل قله‌ی توچال، که نگاه کردن به آن، هیجان انگیز است؛ شوق رسیدن به آن، در دل همه به وجود می‌آید؛ اما چه کسانی می‌رسند؟ باید کفش و کلاهش را آماده کنید؛ بیشتر از آن، باید همتش را آماده کنید و راه بیفتید.

من در نسل جوان کشورمان، این استعداد را می‌بینم. من نمی‌خواهم گزافه بگویم، شعار هم نیست؛ هیچ کس از ما توقع نکرده که بیاییم این حرفها را بزنیم؛ اینها واقعیت است. جوان ایرانی در استعدادهای گوناگون، یک ظرفیت سطح بالا را داراست. اگر ما مسئولان شناسیم، گناه ماست؛ اگر خود او این ظرفیت را نشناسد، گناه اوست. گناه هم نتیجه‌ی خودش را دارد؛ از راه ماندن و به مقصود نرسیدن است. اما اگر چشم را باز کنیم، راه را پیدا کنیم، همت بگذاریم و هدف را گم نکنیم، بدون تردید خواهیم رسید. آنهایی که امروز در قله‌ی دانشند، همیشه این طور نبوده‌اند. همین امریکا که امروز از لحاظ علمی از همه‌ی مراکز علمی و کشورهای دنیا جلوتر است، صد سال پیش برای ابزارهای عادی جنگی خودش، محتاج انگلیس و فرانسه و ایتالیا بود. تاریخ را بخوانید!

#### بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) 1384/10/29

اما راجع به مسؤولیت‌های آینده‌ی شما، من فقط می‌خواهم این را عرض بکنم؛ خروجی دانشگاه امام صادق، ایده‌آلش فقط نباید این باشد که حالا بیرون بیاید، فرض کنید اگر در فلان رشته، درس خوانده برود وکیل بشود یا محضر دار بشود و یا برود کارمند فلان دستگاه وزارتی دولتی بشود؛ نه این‌که من مخالف باشم؛ نه، من موافقم که جوانهای خوب در ارکان تشکیلات اجرایی کشور - چه قضایی و چه قوه‌ی مجریه - حضور داشته باشند؛ اما این برای خروجی دانشگاه امام صادق ایده‌آل نیست؛ ایده‌آل و آن نقطه‌ی آرمانی را باید از همان مطالبی که تا الان در این نیم ساعته عرض کردم، جست. شما باید در علم، یک حرکتی به وجود آورید؛ باید در دنیای دانش‌آموزی و پیشرفت علم و بنای علمی کشور، یک تحرکی به وجود آورید؛ این است آن رسالت اصلی شما. کاری کنید که دانشمندان مسلمان و مؤمن ما، در رشته‌های مختلف علوم انسانی، صاحب‌نظرانی شوند که دنیا از نظرات اینها استفاده کند؛ کاری کنید که دانشگاه امام صادق، نه فقط در مقایسه‌ی با فلان دانشگاه دیگری که در تهران یا شهرستان هست، یک رتبه‌ی جلوتری به دست آورد؛ بلکه این دانشگاه مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود. امروز در دنیا و حتی در همین دنیای گمراه غربی، افراد بسیاری هستند که به دنبال حقیقت‌اند؛ انسان‌های دانشمند و دانش‌پژوهی هم در بین اینها هستند و فراوان‌اند، و کم هم نیستند که دنبال حرف حساب و حق‌اند؛ یک چنین انسانی در هر نقطه‌ی دنیا - در کشورهای اروپایی، آسیایی، امریکا و جاهای دیگر - وقتی دارد دنبال یک مطلبی می‌گردد، باید بتواند اثر علمی شما را در این پایگاه رایانه‌ای پیدا کند؛ حرف و فکر و راه تازه‌ای را که شما دارید نشان می‌دهید. این را ما از دانشگاه امام صادق می‌خواهیم. خروجی دانشگاه امام صادق باید با این نیت و فکر، بتواند متخرج این دانشگاه بشود. بنابراین دانشگاه را قوی کنید.

همین نهضت نرم‌افزاری و تولید علم که بنده گفته‌ام، در دانشگاه شما و در رشته‌ی علوم انسانی، همین است که هر چه می‌توانید بیشتر بیاموزید و تحقیق کنید. البته همان‌طور که گفتم، اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آنهاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان‌طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این‌طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است. امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه‌ی علوم انسانی به وجود آورند؛ از اینها باید استفاده بشود. مواظب باشید دچار آن بت‌پرستی نشوید؛ آن کسی که در فلسفه، اقتصاد، علوم ارتباطات و سیاست، همان حرفی که از ذهن یک متفکر غربی درآمده، آن را حجت می‌داند؛ حالا گاهی اوقات آن حرف هم در خود غرب نسخ شده! از این نمونه‌ها ما زیاد هم داریم. یک مطلبی را چهل، پنجاه سال پیش، یک فیلسوف اجتماعی یا سیاسی در غرب گفته و بعد آمدند ده تا نقد بر آن نوشته‌اند؛ این آقا تازه به حرف آن پنجاه سال قبل دست یافته و به عنوان حرف نو، به داخل کشور می‌آورد و با به‌به و چه‌چه‌ی آن را به خورد دانشجوی و شاگرد و محیط خودش می‌دهد؛ از این قبیل هم داریم. چقدر براساس همین نظرات اقتصادی غربی، بانک جهانی و مجامع پولی و مالی جهانی به ملت‌ها و دولت‌ها برنامه‌ها دادند و چقدر از طرف خود غربی‌ها علیه آنها موارد نقض نوشته شده! باز هم کسانی را داریم که همان توصیه‌ها را می‌آیند عیناً تکرار می‌کنند و عیناً همان نسخه‌ها را می‌نویسند. این غلط است. تحقیق علمی به معنای فقط فراگیری و تقلید نیست؛ تحقیق، ضد تقلید است. این کار، کار شماست.

#### بیانات در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان 1384/02/14

وقتی من می‌گویم ما باید به آنجا برسیم که اگر در اکتاف عالم یک پژوهشگر، یک دانشمند، بخواهد به فلان نظریه‌ی علمی یا نظریه‌ی فلسفی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد، بعضی با نگاه انکارآمیز به این نگاه می‌کنند. من معتقدم و می‌بینم در مقابل خودم که چنین چیزی شدنی است. ما اگر همت کنیم، می‌توانیم تا بیست سال دیگر، تا سی سال دیگر، کاری کنیم که وقتی نام‌آوران عرصه‌ی علم و فناوری را در دنیا نام می‌آورند، ایرانیان و کشور ما در صدر قرار بگیرد؛ می‌توانیم این کار را

بکنیم؛ ما استعدادمان خیلی خوب است؛ همه چیز این را گواهی می‌دهد. آنچه ما کم داشتیم - که انقلاب به ما داد - اعتمادبه‌نفس بود؛ ما امروز اعتمادبه‌نفس پیدا کرده‌ایم. جریان علمی کشور، خوشبختانه جریان خوبی است؛ این جوانهای ما امروز اعتمادبه‌نفس دارند.

ما کسانی بودیم که در اول انقلاب در بسیاری از نیازمندی‌های خودمان محتاج بودیم که از فرآورده‌ی فکر و سرانگشت دیگران استفاده کنیم؛ اما امروز دیگران زیادی در دنیا هستند که از فرآورده‌ی فکر و سرانگشت ایرانی دارند استفاده می‌کنند؛ این واقعیت است؛ ما پیش‌رفته‌ایم. این، به‌خاطر اعتمادبه‌نفس است؛ باید این اعتمادبه‌نفس ملی را در زمینه‌ی علم تقویت کرد و اسلام این را به ما می‌آموزد؛ و ما انشاءالله پیش می‌رویم.

**پیام به کنگره بزرگداشت شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر** 1379/10/29

بی‌شک اگر این جوهره علم و تحقیق و این ذخیره تمام نشدنی انسانی، با دست پلید جنایتکاران از حوزه علمیه ربوده نمی‌شد، جامعه شیعی و اسلامی می‌توانست در آینده نزدیکی شاهد اوج دیگری در قلمرو مرجعیت و ریاست علمی و دینی باشد.

